جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

یادداشت

چیزی از قانون کار باقی نمانده که برایش مراسم بر پا کرد

صادق کار



۲۹ آبان سالگرد تصویب قانون کار جدید بعد از انقلاب بهمن است. این قانون البته نه در راستای تکامل نخستین قانون کار ایران در سال ۱۳۲۵ است که در اثر وجود و مبارزات سازمانیافته کارگران و مزدبگیران و رهبری شورای متحده مرکزی، حزب توده ایران و دیگر نهادهای چپ و فضای سیاسی نسبتا دمکراتیک بوجود آمده بعد از سقوط دیکتاتوری رضا شاه و پس از کشته شدن ده‌ها فعال کارگری در خوزستان، کرمانشاه، اصفهان و مازندران به تصویب رسید، نه آن چیزی بود که کارگران انتظارش را داشتند. این قانون در واقع بعد از کشتار و سرکوب شوراها و سندیکا های کارگری و تسلط استبداد و ارتجاع فقاهتی و بدور از مشارکت طبقه کارگر سر انجام پس از کلی کشمکش و درگیری حتی در درون خود حکومت نه در مجلس، بلکه در شورای من درآوردی تشخیص مصلحت نظام که به فرمان خمینی سرهم بندی شد بعنوان نخستین مصوبه به تصویب رسید .

در قانون جدید در کنار چند تغییر مثبت نسبت به قانون کار قبل از ۵۷ ، مانند کاهش کار هفتگی از ٤٨ ساعت به ٤٤ ساعت، افزایش مرخصی سالیانه به ۳۰ روز، افزایش سالیانه دستمزد بر اساس نرخ تورم و سبد هزینه ها و مشروط کردن حق اخراج که در (ماده ۳۳) قانون کار پیشین آمده بود، درعوض فعالیت سندیکاهای مستقل و حق اعتصاب را که اساس حقوق کار هستند ممنوع کرد و شوراهای اسلامی را که مدلی از نوع بدتر سندیکاهای رستاخیزی و فرمایشی بودند بعنوان تشکل صنفی به جای شوراها و سندیکاهای مستقل سرکوب شده بعد از انقلاب نشاند .

اما همین قانون پر ایراد و تناقض که از ابتدا شورای نگهبان و بازار و جریاناتی مانند موتلفه و احمد توکلی از اساس با آن مخالف بودند پس از مدتی مورد تعرض واقع شد و اکثر مدافعان اولیه حکومتی آن از جمله هاشمی رفسنجانی و دنبالچه های وی در حزب کارگزاران و اصلاح طلبان به صف مخالفین قانون پیوستند و شروع به حذف همان مواردی کردند که نقاط قوت قانون کار محسوب می شد. بیشتر نکات مثبت قانون کار را بتدریج یا حذف و به نفع کارفرمایان دگر گون کردند یا تعطیل نمودند.خلاصه کرده باشم، همان چند ماده مثبت نیز نتیجه حضور و فعالیت شوراها و سندیکا های مستقل، سازمانهای چپ و دمکراتیک و آزادیهای محدودی بود که در اثر خلع سلطه دو سه سال اول انقلاب بوجود آمده بود. تعرض رژیم و کارفرمایان نیز دقیقا پس از

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

قلع و قم سازمانهای شورایی و سندیکایی و چپ آغاز شد وعینا همان روندی را طی کرد که در دوره های حاکمیت رضا شاه و محمد رضا بعد از کودتای ۲۸ مرداد رخ داد. یعنی در واقع هر دو حکومت دیدگاه و رفتار همانندی در برخورد با جنبش کارگری و حق و حقوق آن داشتند و برخوردشان از یک جنس و با یک هدف مشترک بود. همین واقعیت گویای آن است که تفاوت ظاهری رژیم ها در ماهیت رفتار آنان با حقوق طبقه کارگر تفاوتی ماهوی ایجاد نمی کند. و می شود گفت اتفاقا بیشترین شباهت بین رژیم سلطنتی و فقاهتی در سرکوب نیروی کار است .

خانه کارگر و علیرضا محجوب دبیرکل آن اعلام کرده‌اند که قصد دارند مانند سالهای گذشته مراسمی بمناسبت سالگرد تصویب قانون کار برگزار کنند و از اصلاح قانون کاری که از محتوا تهی شده است دم می زنند، آنها همه ساله مراسمی بهمین مناسبت برگزار می کنند و وعده اصلاح قانون کار را به کارگران می دهند، اما هر سال بخش دیگری از مواد حمایتی محدود قانون توسط دولت و مجلس و دیوان موسوم به عدالت اداری حذف یا ماهیت آن به ضرر حقوق کارگران دگرگون شده است بدون اینکه این جماعت توانسته باشند مانعی بر سر راه هجمه کنندگان بوجود بیاورند. با این سابقه پرسشی که این جماعت می بایست به آن پاسخ دهند این است، مگر چیز بدرد بخوری از این قانون بجا مانده که شما می خواهید سالگرد آن را جشن بگیرید؟ واقعیت این است که اساسا هیچ تشکل غیر مستقلی نه قادر است و نه برای این سرهم بندی شده که از حقوق کارگر دفاع کند. بر عکس ادعای دبیر کل تشکل حکومتی خانه کارگر این تشکل در عمل در خدمت پیشبرد سیاستهای حکومت و سرمایه داران قرار داشته و دارد و بهمین دلیل است که نتوانسته و نمی تواند مانعی بر سر راه سیاستهای ضد کارگری حکومت ایجاد کند. بهترین دلیل آن نیز وضعیت کنونی طبقه کارگر است .

در آستانه ۲۹ آبان به واقع هرچه از قانون کار ۱۳۶۹ باقی مانده مواد ی هستند که ناقض حقوق طبقه کارگر است. بنا بر این جایی برای جشن و سرور نه امروز و نه دیروز وجود نداشته و ندارد .

طبقه کارگر دیگر برای اصلاح قانون کار ارتجاعی موجود که کاملا به قانونی کارفرمایی تبدیل شده، فعالیت نمی کند، چون می داند هیچ اصلاحی در چهار چوب رژیم کنونی میسر نیست. بهمین دلیل سمتگیری مبارزه و فعالیت طبقه کارگر برای مهیا کردن شرایط تدوین و تصویب قانون کار جدیدی است که حقوق اش را تضمین و به رسمیت بشناسد و آگاه است برای رسیدن به آن نیازمند متشکل کردن خود در اتحادیه های مستقل کارگری است. طبقه کارگر در گذشته با متشکل کردن خود موفق به این کار شده است و توانایی لازم برای تکرار آن را هنوز دارد

متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

همه با هم برای پایان دادن به جنگ، برقراری صلح، رفاه و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

بی‌ثباتان - بخش هفدهم

گای استندینگ

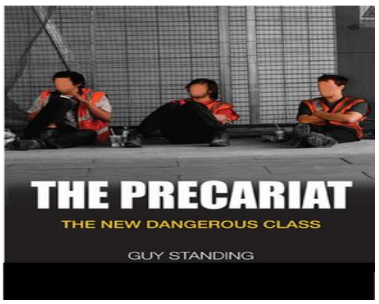

خشم، بی هنجاری، اضطراب و بیگانگی - ادامه

این زن به علت نبود امکان پیشرفت و نیز پذیرش و درک این وضعیت از سوی خود، با پریکاریا پیوند دارد. او به امید تحرک و ارتقای شغلی، به استثمار از خود کشانده می‌شد و ناگزیر کار بیشتری را صرف آماده سازی و فراهم کردن امکان کار می‌کرد. همکارانی که از آنجا گریخته بودند، دریافته بودند که سراب ترفیع شغلی به واقع چیزی جز سراب نیست .

حداقل از زمان آثار امیل دورکیم می‌دانیم که آنومی (بی هنجاری) نوعی احساس انفعال است که از نومیدی زاده می‌شود. چشم انداز مشاغل فاقد مهارت و فاقد آیندهٔ شغلی، بدون تردید این احساس را تشدید می‌کند. آنومی از بیحالی و بی انگیزگی ناشی از شکستهای پی در پی سرچشمه می‌گیرد؛ وضعیتی که محکوم کردن و سرزنش بسیاری از افراد پریکاریا از سوی سیاستمداران و مفسران طبقهٔ متوسط نیز آن را تشدید می‌کند؛ کسانی که آنان را تنبل، بی هدف، ناشایسته، فاقد مسئولیت اجتماعی یا حتی بدتر از اینها معرفی می‌کنند. این که به دریافت کنندگان کمکهای رفاهی گفته شود "درمانهای گفتگومحور" راه پیشرفت و برونرفت از وضعیت آنان است، لحنی از بالا به پایین و تحقیرآمیز دارد؛ و کسانی که به استفاده از این روشها ترغیب می‌شوند، به آسانی متوجه این امر می‌شوند.

پریکاریا با اضطراب زندگی می‌کند؛ ناامنی مزمنی که نه فقط با ایستادن بر لبهٔ پرتگاه و آگاهی از این امر همراه است که یک اشتباه یا یک بداقبالی ممکن است تعادل میان برخورداری از حداقلی از کرامت و تبدیل شدن به یک بیخانمان و آواره را بر هم بزند، بلکه ترس از دست دادن آنچه را که در اختیار دارد، نیز در بر می‌گیرد؛ آن هم در حالی که فرد احساس می‌کند به دلیل نداشتن چیزهای بیشتر، حقش پایمال شده است. افراد از نظر ذهنی احساس ناامنی می‌کنند و تحت فشار روانی اند؛ در عین حال، هم "کمتر از ظرفیت خود به کار گرفته می‌شوند" و هم "بیش از ظرفیت خود کار می‌کنند". آنان از کار و فعالیت شغلی خود بیگانه شده اند و در رفتارشان گرفتار آنومی، عدم اطمینان و استیصال اند. کسانی که از از دست دادن داشته های خود می‌ترسند، پیوسته دچار ناکامی و سرخوردگی اند. آنان خشمگین می‌شوند، اما معمولاً خشم خود را به شکلی منفعلانه بروز می‌دهند. ذهنیت پریکاریایی از ترس تغذیه می‌کند و انگیزهٔ آن نیز ترس است .

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

بیگانگی از این آگاهی ناشی می‌شود که آنچه فرد انجام می‌دهد، نه در راستای هدف خود اوست و نه برای چیزی است که بتواند برایش احترام یا ارزشی قائل باشد؛ بلکه صرفاً به خاطر دیگران و به خواست و فرمان آنان انجام می‌شود. این وضعیت را یکی از ویژگیهای تعیین کنندهٔ پرولتاریا دانسته اند. اما افراد پریکاریا با فشارهای روانی خاص دیگری نیز روبرو اند؛ از جمله احساس فریب‌خوردگی. به آنان گفته می‌شود که باید سپاسگزار و "خوشحال" باشند که شغلی دارند و باید "دید مثبتی" داشته باشند. به آنان می‌گویند خوشحال باشند، اما خودشان نمی‌فهمند چرا باید چنین احساسی داشته باشند. آنان چیزی را تجربه می‌کنند که برایکسون (Bryceson) آن را "ناکامی در تحقق هویت شغلی" نامیده است؛ وضعیتی که ناگزیر آثار روانی نامطلوبی به دنبال دارد. افرادی که در چنین شرایطی قرار دارند، احتمالاً با عدم تأیید اجتماعی و فقدان عمیق احساس هدفمندی روبرو می‌شوند. و فقدان اشتغال، خلأیی اخلاقی پدید می‌آورد.

پریکاریا فریب نمی‌خورد. آنان در معرض سیلی از توصیه ها و اندرزها قرار دارند. اما آیا ذهن هوشمند به این آسانی تسلیم می‌شود؟ باربارا ارنرایش (Barbara Ehrenreich) در کتاب *لبخند بزن یا بمیر* (Smile or Die)، به نقد آیین مدرن مثبت اندیشی پرداخت. او یادآوری می‌کند که چگونه در دهۀ 1860 در ایالات متحده، دو شیاد به نامهای فینیاس کوئیمبی و مری اِدی(Phineas Quimby and Mary Eddy) ، جنبش "اندیشۀ نو" را بنیان گذاشتند؛ جنبشی مبتنی بر کالوینیسم و این دیدگاه که ایمان به خدا و مثبت اندیشی به نتایج مثبت در زندگی منجر خواهد شد. ارنرایش رد پای این اندیشه را تا دنیای معاصر کسب و ار و امور مالی دنبال می‌کند. او شرح می‌دهد که چگونه در همایشهای انگیزشی، سخنرانان به کارگرانی که با قراردادهای کوتاه مدت کار می‌کنند و از کار بیکار شده اند، می‌گویند که باید اعضای خوبی برای گروه باشند. عضو خوب گروه کسی تعریف می‌شود که "فردی مثبت اندیش است، مرتب لبخند می‌زند، شکایت نمی‌کند و هر آنچه را که رئیس مطالبه می‌کند، با سپاسگزاری می‌پذیرد". می‌توان یک گام فراتر رفت و پرسید آیا برخی از این افراد به ضرب المثل قدیمی چینی عمل نمی‌کنند: "آنقدر خم شو که امپراتور لبخندت را نبیند". اما واکنش محتملتر به یاوه گوییهای بیگانه ساز و آزاردهنده ای که پریکاریا ناگزیر است تحمل کند، دندان سائیدن از شدت خشم است

تبارشناسی تاریخی مبارزات و سازمان‌یابی نیروی کار در ایران دهه ۱۳۴۰ شمسی

بهروز فدایی



جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

فصل چهارم ـ قسمت سوم

از «انقلاب سفید» و گسترش طبقه کارگر تا شکل‌گیری نسل جدید مبارزات کارگری

رشد شهرنشینی و مسئله مسکن کارگران

مهاجرت روستاییان به شهرها پیامد مهم دیگری داشت:

بحران مسکن کارگری

کارگران تازه‌وارد معمولاً با: اجاره‌های بالا، اشیه‌نشینی، مسکن غیررسمی، فاصله زیاد محل زندگی و محل کار وکمبود خدمات شهری مواجه بودند.بنابراین مبارزه کارگری دیگر فقط در داخل کارخانه اتفاق نمی‌افتاد.

مسئله مسکن، حمل‌ونقل، آموزش فرزندان و بهداشت نیز به بخشی از زندگی طبقه کارگر تبدیل شد.

این نکته در دهه‌های بعد اهمیت بسیار بیشتری پیدا کرد.

زنان کارگر؛ بخشی که کمتر دیده شد

دهه ۴۰ با تغییرات مهمی در وضعیت اجتماعی زنان نیز همراه بود.

زنان در بخش‌هایی مانند: نساجی، صنایع غذایی، خدمات، آموزش، ادارات و برخی کارخانه‌ها حضور بیشتری پیدا کردند. اما تاریخ جنبش کارگری ایران در این دوره عمدتاً با تصویر «کارگر مرد صنعتی» نوشته شده است.

این تصویر ناقص است

زنان کارگر با مسائل خاصی مواجه بودند: دستمزد پایین‌تر در برخی مشاغل، تبعیض شغلی، مسئولیت همزمان خانه و کار، محدودیت در ارتقای شغلی و ضعف نمایندگی در سازمان‌های کارگری.

بنابراین یکی از ضعف‌های سازمان‌یابی دهه ۴۰، ناتوانی در ایجاد یک جنبش فراگیر کارگری بود که مسائل زنان شاغل را نیز در مرکز مطالبات خود قرار دهد.

رهبران کارگری؛ چرا چهره‌های مشهور کمتر می‌شوند؟

یکی از تفاوت‌های اساسی دهه ۴۰ با دهه ۲۰ این است که تعداد رهبران کارگری شناخته‌شده در عرصه عمومی کاهش یافت.

علت روشن است:

سرکوب پس از کودتا ساختار رهبری علنی را از بین برده بود

رضا روستا، که در دهه ۲۰ مهم‌ترین چهره اتحادیه‌ای شورای متحده بود، دیگر در ایران امکان فعالیت علنی نداشت.

در چنین شرایطی، مبارزه کارگری بیشتر به سطح: نمایندگان کارگاه، فعالان محلی، افراد مورد اعتماد کارگران و

شبکه‌های غیررسمی منتقل شد.

به همین دلیل، تاریخ دهه ۴۰ بیش از آنکه تاریخ چند رهبر بزرگ باشد، تاریخ فعالان گمنام محیط کار است.

حزب توده؛ حضور غایب

حزب توده در دهه ۴۰ همچنان یکی از مهم‌ترین نیروهای مخالف حکومت بود، اما دیگر امکان فعالیت علنی در ایران نداشت.

این مسئله تأثیر مهمی بر جنبش کارگری گذاشت در دهه ۲۰، حزب توده توانسته بود شبکه گسترده‌ای از کارگران را سازمان دهد اما نسل جدید کارگران دهه ۴۰ دیگر الزاماً مستقیماً با آن شبکه ارتباط نداشت. به همین دلیل، شکافی میان:

نسل قدیمی جنبش کارگری و نسل جدید کارگران صنعتی به وجود آمد. این شکاف بعدها بسیار مهم شد.

نسلی که در دهه ۴۰ وارد کارخانه شد، در دهه ۵۰ به نیروی اصلی بسیاری از اعتراض‌ها تبدیل شد؛ اما لزوماً از تجربه سازمانی نسل دهه ۲۰ برخوردار نبود.

.پیدایش جریان‌های چپ جدید

در نیمه دوم دهه ۴۰، فضای سیاسی ایران شاهد ظهور نسل جدیدی از نیروهای چپ و انقلابی بود. بخشی از این نسل از تجربه حزب توده فاصله گرفته بود. شکست کودتای ۲۸ مرداد، سرکوب حزب توده، استبداد سیاسی، نفوذ آمریکا و تجربه مبارزات ضد استعماری در جهان، نسل جدیدی از فعالان را به سوی روش‌های رادیکال‌تر سوق داد.

در پایان دهه ۴۰، گروه‌هایی مانند: سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران

در حال شکل‌گیری یا فعالیت بودند. اما باید از یک اشتباه تاریخی پرهیز کرد:

پیدایش چپ مسلحانه را نباید با جنبش کارگری یکی دانست

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

این جریان‌ها عمدتاً از میان روشنفکران، دانشجویان و مخالفان سیاسی شکل گرفتند و رابطه آنان با کارگران صنعتی در ابتدا محدود بود با این حال، در دهه ۵۰ بخشی از این جریان‌ها تلاش کردند به محیطهای کارگری نفوذ کنند.از این منظر، دهه ۴۰ مرحله شکل‌گیری دو مسیر متفاوت بود:

مسیر اول: مبارزات صنفی و روزمره کارگران در کارخانه‌ها

مسیر دوم: مبارزات سیاسی و انقلابی روشنفکران و گروه‌های چپ

این دو مسیر بعدها در دهه ۵۰ بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شدند، اما در دهه ۴۰ هنوز فاصله قابل توجهی میان آنها وجود داشت.

شکل‌های مبارزه در دهه ۴۰با توجه به فضای سیاسی، مبارزه کارگری شکل‌های متنوعی پیدا کرد.

اعتراض مستقیم: کارگران مطالبات خود را مستقیماً به مدیریت ارائه می‌کردند

شکایت جمعی: استفاده از سازوکارهای قانونی وزارت کار و شورای کارگاه

مذاکره: استفاده از نمایندگان برای چانه‌زنی درباره دستمزد و شرایط کار

پیمان دسته‌جمعی: قوانین مربوط به سهیم کردن کارگران، انعقاد پیمان دسته‌جمعی را تشویق و در برخی موارد الزام می‌کردند

توقف و اعتصاب محدود: د ر برخی صنایع، کارگران از توقف‌های کوتاه یا اعتصاب استفاده می‌کردند

اقدامات غیررسمی: کاهش سرعت کار، نافرمانی محدود و مقاومت روزمره نیز بخشی از کنش کارگران بود

این شکل‌های مبارزه نشان می‌دهد که مبارزه کارگری فقط «اعتصاب بزرگ» نیست کاهی ده‌ها اقدام کوچک می‌توانند یک فرهنگ مقاومت را در محیط کار ایجاد کنند.

چرا اعتصاب‌های بزرگ کمتر شدند؟

علت را باید در چند عامل جست‌وجو کرد:

نخست: سرکوب سیاسی فعالان می‌دانستند که فعالیت گسترده می‌تواند پیامد امنیتی داشته باشد.

دوم: کنترل سندیکاها سازمان‌های رسمی ظرفیت محدودی برای اقدام مستقل داشتند.

سوم: پراکندگی نیروی کار

بخش بزرگی از کارگران در واحدهای کوچک و غیررسمی فعالیت می‌کردند.

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

چهارم: ترس از بیکاری

برای کارگران مهاجر و فصلی، از دست دادن شغل می‌توانست به معنای از دست دادن امکان زندگی شهری باشد.

پژوهش کارگران کوره‌پزخانه خاتون‌آباد دقیقاً بر همین مسئله تأکید می‌کند: برای این کارگران، حفظ شغل گاه مهم‌تر از بهبود شرایط کار بود و نبود سازمان نمایندگی قدرت چانه‌زنی آنان را بسیار پایین می‌آورد.

اما «نبود اعتصاب» به معنای «نبود مبارزه» نیست

این شاید مهم‌ترین نکته در بازخوانی دهه ۴۰ باشد. تاریخ‌نگاری سنتی گاهی دوره ۱۳۳۲ تا اواخر دهه ۴۰ را به عنوان دوره سکوت کارگران معرفی کرده است اما پژوهش‌های جدیدتر چنین تصویری را اصلاح می‌کنند.

در صنعت نفت، برای مثال، کنش‌های جمعی ادامه داشتند؛ فقط شکل آنها متناسب با شرایط سیاسی تغییر کرده بود.

به بیان دیگر:

سرکوب توانست مبارزه علنی و سراسری را کاهش دهد، اما نتوانست تضاد میان کار و سرمایه را از بین ببرد

دستاوردهای مادی دهه ۴۰

دهه ۴۰ از نظر حقوق و خدمات اجتماعی نیز دستاوردهای اندکی داشت.
مهم‌ترین آنها: گسترش بیمه‌های اجتماعی؛ توسعه خدمات درمانی کارگران؛ تقویت مقررات ایمنی؛ حق مرخصی؛
سازوکارهای حل اختلاف؛ پیمان‌های دسته‌جمعی، نمایندگان کارگاه؛ سهیم کردن تعدادی از کارگران در سود کارخانه ها و توسعه آموزش کارگران

قانون بیمه‌های اجتماعی ۱۳۳۹ و اصلاحات آن در ۱۳۴۷ نمونه مهم این روند است.

در سال ۱۳۴۹ نیز «مؤسسه کار و تأمین اجتماعی» برای آموزش کارگران و کارفرمایان، تحقیق درباره روابط صنعتی، مسائل سندیکایی، تعاون و حفاظت صنعتی ایجاد شد.

بنابراین دولت در دهه ۴۰ به سمت ایجاد یک نظام نسبتاً پیچیده روابط کار حرکت کرد.

اما دستاورد حقوقی با قدرت سازمانی یکسان نیست

این تمایز بسیار مهم است.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

ممکن است کارگر: بیمه داشته باشد، مرخصی داشته باشد، حداقل مزد داشته باشد، نماینده کارگاه داشته باشد،

و قرارداد جمعی داشته باشد اما اگر نتواند نماینده مستقل خود را انتخاب کند یا در برابر نقض حقوق خود اقدام جمعی کند، قدرت واقعی او محدود باقی می‌ماند.

بنابراین دهه ۴۰ نمونه مهمی از این تناقض است:

افزایش حقوق اجتماعی کارگران همزمان با کاهش استقلال سیاسی و سازمانی آنان

بهروز فدائی : دهم نوامبر 2026

بخشی از اطلاعات این مطلب از هوش مصنوعی بهره گرفته است

از مبارزه کارگران پیمانی برای لغو کار پیمانی و برچیدن قراردادهای موقت حمایت کنیم!

بیمه و حقوق هنگام بیکاری برای همه ی کارگران!

زحمتکشان از گروگان گرفتن دستمزدها تا غارت سفره

مصطفی کمالی



نان قوت لایموت یا ابزار چپاول زندگی فرودستان؟
نان در تاریخ و فرهنگ ایرانیان، همواره پایه‌ای‌ترین بخش سفره مردم بوده است. اما زیر سلطه حاکمیت اسلامی، همین ابتدایی‌ترین ماده غذایی نیز در کنار دیگر اقلام ضروری، مرحله‌به‌مرحله از دسترس خانوارهای کم‌درآمد خارج شده است. وقتی یک خانواده کارگری با حقوق ناچیز ۲۰ میلیون تومانی ناچار

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

است حدود دو سوم درآمد خود (بیش از ۱۳ میلیون تومان) را تنها بابت اجاره مسکن بپردازد، باقی‌مانده دستمزدی که به گروگان گرفته شده، حتی جوابگوی ابتدایی‌ترین اقلام بقا یعنی نان، پنیر، ماست، تخم‌مرغ و سبزی هم نیست. در شرایطی که گزارش‌های اقتصادی از رسیدن قیمت تخم‌مرغ به دانه‌ای ۲۷ هزار تومان (با رشد ۲۲۴ درصدی در یک سال)، جهش ۳۶۵ درصدی قیمت روغن و تورم نقطه‌ای ۱۰۷ درصدی در روستاها خبر می‌دهند، گوشت، مرغ، ماهی و لبنیات مدت‌هاست از سفره‌ها حذف شده‌اند. برای چنین خانواده‌ای، نان دیگر فقط یک کالای مصرفی نیست؛ قوت لایموت و آخرین تکیه‌گاه سفره است. هنگامی که هزینه مسکن، دارو و درمان هر روز سهم بیشتری از درآمد کارگر را می‌بلعد، تعرض به نان به معنای تعرض به آخرین امکان تأمین غذای روزانه و زنده ماندن است.

با این همه، در جمهوری اسلامی حتی این قوت لایموت نیز از سیاست‌های اقتصادی و مناسبات غارتگرانه در امان نمانده است. مردمی که حاصل کارشان هر روز بی‌ارزش‌تر می‌شود، باید برای تهیه نان هم با افزایش قیمت، محدودیت و سازوکارهای تازه نظارت و کنترل روبه‌رو شوند. مسئله فقط گران‌شدن نان نیست؛ مسئله این است که چگونه ابتدایی‌ترین نیاز زندگی به موضوع مداخله و کنترل حکومتی تبدیل شده است؛ حاکمیتی که طی ۴۷ سال به خصوصی‌ترین و ابتدایی‌ترین نیازهای انسان‌ها دست‌اندازی کرده و اکنون همین مداخله‌گری به یکی از بحران‌های اساسی آن تبدیل شده است.

یکی از شیوه‌های حکمرانی جمهوری اسلامی، تهی‌کردن واژه‌ها و مفاهیم از محتوای واقعی آن‌ها و استفاده از همان واژه‌ها برای وارونه‌سازی واقعیت است. از «تعدیل نیروی کار» سخن می‌گویند، اما حاصل آن اخراج و نابودی امنیت شغلی کارگران است؛ مرگ کارگران را در محیط ناامن کارخانه وجاده«حادثه» می‌نامند و غارت منابع عمومی اختلاس های سرمایه کشور را به سوءمدیریت تقلیل می‌دهند. طرح موسوم به «مدیریت خرید نان» نمونه روشنی از این وارونگی است. به‌جای آنکه دولت درباره چگونگی تأمین گندم، خرید تضمینی، واردات، ذخیره‌سازی، تخصیص آرد و توزیع آن توضیح دهد، رفتار مصرف‌کننده را مدیریت و کنترل می‌کند و برای میزان خرید او الگو تعیین می‌کند؛ گویی مسئله اصلی نه مناسبات اقتصادی و نحوه توزیع منابع، بلکه مقدار نانی است که یک کارگر برای سیر کردن شکم خانواده‌اش نیاز دارد. تأمین نیازهای روزمره زندگی برای مردم یک کشور از وظایف اولیه حکومته است، که این حکومت ودولت هایش از این وظیفه سرپیچی کرده،

بر اساس گزارش‌های منتشرشده در آبان ۱۴۰۵، در طرحی که ابتدا در استان‌هایی چون خوزستان و زنجان خبرساز شد، حدود هشت کیلوگرم آرد یارانه‌ای در ماه برای هر نفر مبنای محاسبه قرار گرفته است. نرخ آرد یارانه‌ای ۲۳۰۰ تومان و نرخ تجاری ۱۲ هزار و ۶۵۰ تومان اعلام شده و خرید مازاد بر الگوی تعیین‌شده با نرخ تجاری محاسبه می‌شود. روزنامه شرق در گزارشی در ۲۷ آبان نوشت که این مبنا معادل حدود ۲۶۶ گرم نان در روز برای هر نفر است؛ درحالی‌که سرانه روزانه اعلام‌شده از سوی وزارت بهداشت حدود ۳۳۳ گرم گزارش شده است. این شکاف به‌ویژه برای خانواده‌های کارگری که به دلیل گرانی سایر مواد غذایی به نان وابستگی مطلق دارند، فاجعه‌بار است. بازتاب این وضعیت در گزارشی میدانی از ماهشهر در ۲۶ آبان ۱۴۰۵ چنین روایت شده است: «نه توان خرید برنج داریم، نه مرغ؛ فقط نان می‌خوردیم، حالا همان را هم سهمیه‌بندی کرده‌اند.» وقتی مردم ناچارند به ترتیب از گوشت به مرغ، از مرغ به تخم‌مرغ و از آن به نان پناه ببرند، سهمیه‌بندی نان به معنای سقوط آخرین سنگر سفره مردم است.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

پرسش اساسی این است: چه کسی و با چه معیاری تعیین می‌کند که مصرف یک خانواده متعارف است یا غیرمتعارف؟ دولت ابتدا با سرکوب دستمزدها و سیاست‌های ارزی (همچون محدود کردن تخصیص ارز مبادله‌ای به تنها ۶۶ ردیف کالایی و واگذاری بیش از ۴۵۰۰ قلم کالا به بازار آزاد) قدرت خرید مردم را نابود می‌کند و سپس همان مردم را به دلیل شیوه مصرفشان زیر کنترل می‌برد. جای پاسخ‌گویی وارونه می‌شود: به‌جای آنکه صاحبان قدرت درباره نقش خود در گسترش فقر، تورم، رانت و توزیع ناعادلانه منابع توضیح دهند، مصرف‌کننده باید درباره خرید مقدار نانی را که نیاز ابتدایی زندگی پاسخ‌گو باشد. این فقط یک خطای مدیریتی نیست؛ بازتاب منطق حکمرانی‌ای است که به‌جای برطرف‌کردن علل فقر، پیامدهای آن را مدیریت می‌کند تا با تحمیل ناامنی معیشتی، استقلال اقتصادی، توان اجاره‌خانه، بدهی و تقلا برای تهیه نان و پنیر می‌شود، مناسبات سرمایه‌داری و استبدادی تمام زمان زندگی او را تحت سلطه می‌گیرد.

با این حال، فرودستان قربانیانی بی‌قدرت و فاقد اراده نیستند. اعتراضات مستمر کارگران، بازنشستگان، معلمان و مبارزات زنان نشان می‌دهد که مطالبات زندگی روزمره می‌توانند به سرچشمه همبستگی و سازمان‌یابی تبدیل شوند؛ به شرط آنکه از پراکندگی عبور کنند و در تشکل‌های مستقل و پایدار، قدرت اجتماعی خود را بسازند. نان به ما یادآوری می‌کند که سیاست از زندگی واقعی مردم آغاز می‌شود، نه از جابه‌جایی مدیران و رقابت‌های بالای سر جامعه. مبارزه برای نان، مبارزه برای بازپس‌گرفتن حق زندگی است؛ مبارزه‌ای که از حق کار، مسکن، درمان و آموزش جدا نیست و جز با به چالش کشیدن ریشه‌ای مناسبات غارتگرانه و استبدادی و سازمان‌یابی مستقل جامعه، به سرانجام نخواهد رسید.

چهارشنبه۲۷ آبان۱۴۰۵

از مبارزه تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت و برای تحقق آن مبارزه کنیم!

تلاش حکومت برای کاهش حقوق بازنشستگی را محکوم و از مبارزه بازنشستگان برای افزایش حقوق حمایت کنیم!

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

تبدیل معیشت کارگران به ابزار رقابت جناح های حکومتی

صادق



اخیرا در میانه اعتراضات گسترده و فزاینده معیشتی، عده‌ای از نمایندگان مجلس نیز با مشاهده گستردگی نارضایتی و اعتراضات طبقه کارگر نسبت به پیشنهاد افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارمندان در سال ٤٠٦ از سوی دولت اعتراض کردند و آن را ناکافی خواندند و تهدید کردند اگر دولت میزان افزایش را متناسب با تورم اصلاح نکند به برنامه بودجه رای نخواهند داد .

این نمایندگان که بدرستی مشخص نیست چند درصد آرای مجلس را در اختیار دارند و چه اندازه حاضرند روی درخواست خود ایستادگی نمایند آنطور که ادعا می کنند، خواهان افزایش دستمزدها و حقوق کارگران و کارکنان دولت مطابق ماده ٤١ قانون کار و آن بندی هستند که بر افزایش دستمزد برابر با نرخ تورم تاکید دارد. البته ماده ٤١ یک بند دیگر نیز دارد که در کنار نرخ تورم بر هزینه سبد خانوار بعنوان معیار دوم افزایش دستمزد تاکید دارد. اما نمایندگان در مورد این بند سکوت کرده‌اند. در وهله اول این واکنش مثبت به نظر می رسد. با این حال سوابق برخورد این گروه از نمایندگان که بیشتر در طیف محافظه کاران و رقبای سیاسی دولت قرار دارند، به نظر می رسد استفاده از شرایط برای پیشبرد رقابتهای جناحی باشد تا نگرانی از بابت سیاستهای نئولیبرالی دولت در خصوص دستمزد و معیشت زحمت کشان .

کما اینکه این جماعت هیچ تحرکی از خود نسبت به افزایش دستمزد در نیمه دوم سال ٤٠٥ که دولت و کارفرمایان تعهد داده بودند انجام ندادند و در عمل با سکوت و انفعال حساب شده خود از کنار آن عبور کردند. این در حالی است که کارگران و مزد و حقوق بگیران که شدیدا در تنگنای معیشتی قرار دارند خواهان افزایش دستمزدها در نیمه دوم سال جاری هستند. بنا بر این رفتار این نمایندگان مصداق ضرب المثل (نقد را رها کردن چسبیدن به نسیه است) و تائید ی بر امتناع دولت از افزایش حقوق و دستمزد در حال حاضر است .

از این که بگذریم این نمایندگان اگر چه گاه و بیگاه بواسطه رقابتهای گروهی انتقاداتی نسبت به سیاستهای شوک درمانی دولت نموده‌اند، اما در عمل یا آنها را تائید نموده و یا در قبال آنها سکوت کرده و مانع تصویب آنها نشده‌اند. تجربه نشان داده است که اکثر قریب به اتفاق نمایندگان مجلس فرمایشی فارغ از گرایشهای سیاسی خود از سیاستهای ضد کارگری و عدالت ستیزانه دولت در همه ی زمینه ها از بحث دستمزد گرفته تا لغو و تغییر قوانین کار و تامین اجتماعی و برچیدن یارانه ها حمایت یا به آنها تمکین کرده‌اند .

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

بنا بر آنچه گفته شد اگر چه باید از این مانورها و رقابتها هم در مبارزه برای افزایش دستمزد بهره گرفت اما نباید به آنها دلخوش کرد. باید توجه داشت که به غیر از سرمایه داران نو کیسه که با استفاده از قدرت دولتی به ثروتهای نجومی رسیده‌اند و خود در پیشبرد بی حقوق سازی نیروی کار و تحمیل گرانی و تورم و دلاریزه کردن اقتصاد کشور نقش پیشران را داشته و دارند، بقیه اقشار کشور که از سیاستهای حاکم به تنگ آمده‌اند، در کنار کارگران و مزد و حقوق بگیران مخالف سیاستهای حکومت هستند و نفع خود را در بهبود دستمزد ها می بینند از اعتراضات کارگران برای افزایش دستمزد و بهبود معیشت حمایت می کنند.کارگران و مزد بگیران برای بهبود دستمزد و معیشت خود نه به نمایندگان مجلس فرمایشی بلکه به نیروی ده‌ها میلیونی مردم باید متکی باشد.محال است مجلس دستمزد ها را برابر تورم هشتاد نود درصدی بالا ببرد و به تهدید خود مبنی بر تصویب نکردن لایحه بودجه دولت و افزایش دستمزد ۳۵ درصدی عمل کند. افزایش دستمزد فقط با گسترش اعتصابات سازمانیافته و حمایت اقشار تحت فشار دیگر امکان پذیر است، فریب این وعده‌های متلقبانه بدون پشتوانه و انحرافی وابستگان به قدرت را نباید خورد

.

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های سازماندهی اعتراضات را در محل های کار و زندگی تشکیل دهیم!

عدم رعایت مقررات و قوانین ایمنی بازهم فاجعه آفرید

گروه کار کارگری حزب چپ ایران

در شامگاه شنبه ۲۳ آبان اتوبوس حامل ۳۰ تن از کارگران شرکت ان جی ال دهلران درهنگام برگرداندن کارگران از محل شرکت به خانه واژگون شد و ۱۲ تن از سرنشینان اتوبوس متاسفانه در دم کشته و ۱۸ تن دیگر مصدوم شدند و در بیمارستان بستری شدند.

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

طبق آخرین خبرها یک نفر دیگر در بیمارستان جان باخته است وضعیت ۲ کارگر دیگر که در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شدند وخیم اعلام شده است.

علت حادثه وجود نقص فنی از جمله سائیدگی لاستیک‌ها، نداشتن معاینه فنی، و عدم نظارت مدیران مسئول شرکت گاز دهلران بر ایمن بودن اتوبوس عنوان شده‌است. صاحب اتوبوس که یک شرکت پیمانکاری است و راننده‌اش هم در این حادثه کشته شده، نداشتن معاینه فنی را تکذیب کرده‌است اما سائیدگی شدید لاستیک‌های اتوبوس که گفته می شود عامل لغزش و انحراف اتوبوس از جاده بوده است، خلاف این ادعا را ثابت می‌کند.

تعداد حوادث کار و قربانیان آن‌ها متاسفانه به دلیل رعایت نکردن اصول و مقررات ایمنی توسط شرکت‌ها به‌ویژه شرکت‌های پیمانکاری به دلیل افزون خواهی صاحبان شرکت‌ها و عدم نظارت و کنترل وزارت کار بر اجرای قوانین ایمنی کار، روز به روز بیشتر شده‌است و وزارت خانه‌ی کار که وظیفه نظارت بر اجرای قانون کار را به عهده دارد، به رغم افزایش حوادث منجر به قتل و مصدومیت‌های شدید، با فراموش کردن وظایف خود در افزایش این حوادث نقش اصلی را به عهده دارد. دستگاه فاسد قضایی نیز با گرفتن رشوه از مجازات واقعی ناقضان مقررات ایمنی آن‌ها خودداری می کند و سهمی در افزایش حوادث دارد.

راه‌کار جلوگیری و کاهش حوادث کار در چنین وضعیتی وجود فعالیت اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری مستقل و نظارت آن‌ها بر اجرای درست قوانین است. اما هم کارفرمایان و هم مسئولین نهادهای حکومتی با تشکیل و فعالیت سندیکاها به شدت مقابله می‌کنند و حاضر نیستند مقررات ایمنی را در محل‌های کار رعایت نمایند و وزارت کار حتی برای سرپوش نهادن بر اعمال ننگین و خلاف قانون خود شمار قربانیان حوادث را تا یک سوم رقمی که از سوی پزشک قانونی اعلام می شود، تقلیل می‌دهد.

طبق آمار پزشک قانونی در سال ۱٤۰٤ دستکم ۱۸۷۹ نفر در اثر حوادث کشته شده‌اند و ۲٤۲۳۸ نفر نیز مصدوم شده‌اند. در سالنامه آماری تامین اجتماعی تعداد کشته‌شدگان در همین سال به حدود یک سوم کاهش داده شده و ٦٦۸ نفر ثبت شده‌است.

این حادثه در شرایطی رخ می‌دهد که بیکاری و بی‌قانونی در مناطق غرب کشور بیداد می‌کند و مردم مجبورند برای گرسنه نماندن تحت شرایط سخت و دشوار نبود امنیت و فضای امنیتی که حتی کولبران هم در آن امنیت جانی ندارند به هر کاری تن در دهند.

گروه کار کارگری حزب چپ ایران عوامل این فاجعه را قویا محکوم می‌کند و خواهان مجازات همگی آنان در هر لباس و مقامی است. ما جان باختن کارگران شرکت گاز دهلران را به خانواده‌ها و به همکاران‌شان و عموم کارگران تسلیت می‌گوییم و خود را عمیقا در غم آنان سهیم می‌دانیم.

گروه کار کارگری حزب چپ ایران مسئول اصلی این حادثه منجر به فاجعه را عدم رعایت مقررات قانونی مربوط به ایمنی به‌واسطه نبود نظارت ادارات کار و فقدان حضور سندیکاهای کارگری در واحدهای تولیدی و خدماتی می‌داند.واعمال این نهادهای فاسد را قویا محکوم می‌کند. ما معتقدیم درفقدان حضور سندیکا های کارگری

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

مستقل روند افزایش حوادث کار تداوم خواهد یافت و تنها عاملی که می‌تواند این روند را متوقف نماید، اعتراض گسترده کارگران و تشدید فعالیت برای سازماندهی سندیکاهای مستقل و نظارت آن‌ها بر اجرای قوانین کار و مراقبت از حقوق کارگر است. از همین رو گروه کار کارگری حزب چپ ایران از مبارزات کارگران برای رفع ممنوعیت فعالیت سندیکاهای کارگری حمایت می کند.

۲۵ آبان ۱۴۰۵ - ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶

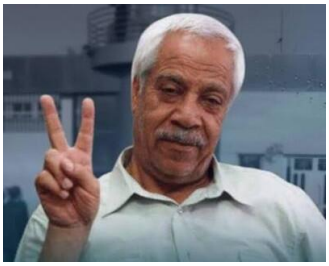

هشتمین سال حبس هاشم خواستار؛ معلمی که زندان نتوانست صدایش را خاموش کند

هاشم خواستار، معلم بازنشسته، فعال صنفی و کنشگر مدنی، هشتمین سال حبس خود را در زندان وکیل‌آباد مشهد می‌گذراند. او اکنون ۷۳ سال دارد و از بیماری‌های گوارشی، فشار خون بالا و هموروئید رنج می‌برد. به گزارش خبرگزاری هرانا و به گفتهٔ منبعی نزدیک به خانواده، با وجود نیاز به معاینات تخصصی، تاکنون برای درمان به بیمارستانی خارج از زندان اعزام نشده است. ناتوانی در استفاده از غذای زندان و اتکا به میوه‌های فروشگاه زندان نیز به کاهش شدید وزن او انجامیده است.

از کلاس درس تا فعالیت صنفی

هاشم خواستار در دوم خرداد ۱۳۳۲ در خانواده‌ای ظلم‌ستیز به دنیا آمد؛ پدرش از هواداران دکتر محمد مصدق بود. پس از تحصیل در رشتهٔ کشاورزی در دانشگاه ارومیه، مدتی در بخش کشاورزی کار کرد و سپس به آموزش‌وپرورش پیوست. سال‌ها در هنرستان کشاورزی تربت‌جام و هنرستان شهید یوسفی مشهد درس داد و در سال ۱۳۸۷ بازنشسته شد. با وجود پیشنهاد مسئولیت‌های مدیریتی، کلاس درس را برگزید، چرا که آموزش را عرصهٔ آگاهی‌بخشی و پرورش تفکر انتقادی می‌دانست.

او از بنیان‌گذاران کانون صنفی فرهنگیان ناحیهٔ شش مشهد بود و با رأی فرهنگیان به ریاست کانون صنفی فرهنگیان خراسان بزرگ برگزیده شد. فعالیت صنفی‌اش از سال ۱۳۶۹ با احضار و بازجویی‌های طولانی همراه شد. هنگام تلاش برای برگزاری گردهمایی سراسری فرهنگیان در مشهد بازداشت شد و چون حاضر نشد گردهمایی را لغو کند، به سه سال حبس تعلیقی محکوم شد.

بازداشت‌ها و سال‌های زندان

پس از اعتراضات سال ۱۳۸۳، مدتی در بازداشت انفرادی ادارهٔ اطلاعات بود. در سال ۱۳۸۵، هیئت رسیدگی به تخلفات اداری آموزش‌وپرورش او را به کسر گروه و سپس کسر یک‌هشتم حقوق محکوم کرد؛ احکامی که بر حقوق بازنشستگی و پاداش پایان خدمتش نیز اثر گذاشت.

در ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ بازداشت و ابتدا به شش سال حبس محکوم شد؛ حکمی که در تجدیدنظر به دو سال حبس و دو سال ممنوعیت خروج از کشور کاهش یافت. در زندان، نامه‌هایی دربارهٔ وضعیت بهداشت، غذا و شرایط زندگی زندانیان نوشت و منتشر کرد. همین نامه‌ها به تشکیل پرونده‌های تازه علیه او و همسرش انجامید. همسرش تبرئه شد، اما خواستار به پرداخت جریمه محکوم شد و با نپذیرفتن آن، ادامهٔ حبس را برگزید. او تا ۱۷ شهریور ۱۳۹۰ بی‌آنکه حتی یک روز مرخصی بگیرد در زندان ماند و در سال ۱۳۹۱ نیز به سبب همان نامه‌ها چند ماه دیگر زندانی شد.

در اول آبان ۱۳۹۷، هنگام رفتن به باغ خود ناپدید شد. خانواده پس از پیگیری‌های بسیار دریافتند که او بازداشت و به بیمارستان روان‌پزشکی ابن‌سینای مشهد منتقل شده است. این رفتار با اعتراض فرهنگیان و فعالان حقوق بشر روبه‌رو شد و او سرانجام در ۱۹ آبان آزاد شد.

حکم ۱۶ سال زندان و پرونده‌های تازه

در ۲۰ مرداد ۱۳۹۸، هاشم خواستار همراه با شماری از کنشگران مدنی که مقابل دادگاه مشهد به حکم ۱۳ سال زندان دکتر کمال جعفری یزدی اعتراض می‌کردند، بازداشت شد؛ بازداشتی که پس از انتشار نامهٔ ۱۴ کنشگر مدنی دربارهٔ استعفای آیت‌الله خامنه‌ای صورت گرفت. پس از انتقال به زندان وکیل‌آباد و اعتراض به شرایط بازداشت، نزدیک به هفت ماه را در انفرادی ادارهٔ اطلاعات گذراند.

در بهمن ۱۳۹۸، شعبهٔ چهارم دادگاه انقلاب مشهد او را به ۱۶ سال حبس، سه سال تبعید به نیک‌شهر و سه سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم کرد. این حکم در تجدیدنظر به ۱۶ سال حبس، دو سال تبعید و دو سال ممنوعیت خروج از کشور تغییر یافت. در دوران حبس نیز چهار پروندهٔ دیگر علیه او تشکیل شد که به گفتهٔ خانواده، مجموع احکام آن‌ها به هشت سال می‌رسد. در تیر ۱۴۰۲ نیز در پرونده‌ای دیگر به دو سال و شش ماه حبس محکوم شد.

ایستادگی خانواده

در کنار هاشم خواستار، خانواده‌اش نیز سال‌ها فشار و رنج زندان او را تاب آورده‌اند. همسرش، صدیقه مالکی‌فرد، که خود معلم و فعال مدنی است، در تمام این سال‌ها وضعیت همسرش را پیگیری و دربارهٔ بازداشت‌ها و محکومیت‌های او اطلاع‌رسانی کرده است. او نیز به‌خاطر انتشار نامه‌های همسرش از زندان تحت پیگرد قرار گرفت، اما سرانجام تبرئه شد.

معلمی که از باورهایش عقب ننشست

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، زندانی کردن معلمان به‌خاطر فعالیت صنفی و مدنی را محکوم می‌کند و خواستار موارد زیر است:

۱. آزادی فوری و بی‌قیدوشرط هاشم خواستار؛

۲. اعزام فوری او به بیمارستانی خارج از زندان و دسترسی کامل به درمان تخصصی؛

۳. آزادی همهٔ معلمان و فعالان صنفی زندانی و توقف احضار، بازداشت و صدور احکام علیه آنان.

مسئولیت هرگونه آسیب به سلامت و جان هاشم خواستار بر عهدهٔ نهادهای امنیتی و قضایی است.



فراخوان اعتراض هماهنگ در هفت کشور اروپا علیه گرانی و ریاضت اقتصادی

اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های اجتماعی در هفت کشور اروپایی، برای روزهای ۲۰ تا ۲۲ نوامبر، برابر با ۲۹ آبان تا اول آذر، فراخوان اعتراض هماهنگ داده‌اند. افزایش دستمزد و مستمری، مسکن قابل پرداخت، مهار هزینه‌های ضروری و مقابله با ریاضت اقتصادی از مطالبات مشترک این حرکت است که تشکل‌هایی از فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، یونان، بریتانیا، پرتغال و بلژیک در آن مشارکت دارند.

فراخوان منتشرشده در وب‌سایت اتحادیه سی‌ژت، این همکاری را تلاشی برای پیوند دادن اعتراض‌های پراکنده در کشورهای مختلف توصیف می‌کند. سازمان‌های شرکت‌کننده خواهان تضمین خدمات عمومی، به‌ویژه آموزش و بهداشت، حق مسکن، کنترل قیمت مسکن، غذا و انرژی، افزایش حقوق و مالیات‌ستانی از ثروتمندان شده‌اند. حق کار بدون کنار گذاشتن مهاجران و پایان دادن به سیاست‌های تسلیح مجدد نیز در این فهرست قرار دارد.

در فرانسه، شبکه‌ای از تشکل‌های کارگری، دانشجویی و مدافع حق مسکن به این حرکت پیوسته‌اند. از جمله امضاکنندگان فراخوان «پلتفرم مسکن برای همه»، اتحادیه سولیدر، فدراسیون اتحادیه‌ای اف‌اس‌او، انجمن حق مسکن، اتحادیه دانشجویی و شماری از سازمان‌های ضدنژادپرستی و مدافع حقوق مهاجران هستند. تجمع پاریس برای شنبه ۲۱ نوامبر، ساعت ۱۴ در میدان رپوبلیک اعلام شده است.

بحران مسکن یکی از محورهای پیوند این اعتراض‌هاست. فراخوان‌دهندگان کاهش اجاره‌ها، مقابله با سوداگری ملکی و به‌کارگیری ساختمان‌های خالی برای تأمین مسکن را مطالبه کرده‌اند. هم‌زمان بر افزایش

دستمزدها، مستمری‌های بازنشستگی و حداقل حمایت‌های اجتماعی تأکید دارند تا خانوارها بتوانند هزینه خوراک، گرمایش، رفت‌وآمد و درمان را تأمین کنند.

این اعتراض‌ها با حرکت جوانان علیه جنگ و نظامی‌سازی همزمان شده است. فراخوان اعتصاب دانش‌آموزی و دانشجویی جمعه ۲۰ نوامبر با شعار «برای آینده‌مان مبارزه کنیم، نه برای جنگ‌های آن‌ها» منتشر شده و شبکه «توقف تسلیح مجدد اروپا» از اقدامات روزهای ۲۰ تا ۲۲ نوامبر پشتیبانی کرده است. برگزارکنندگان خواهان اختصاص منابع به آموزش، اشتغال و خدمات عمومی و مخالفت با گسترش خدمت اجباری و حضور نظامی در محیط‌های آموزشی‌اند.

شبکه اروپایی اتک نیز حمایت خود را از مجموعه حرکت‌های اجتماعی روزهای ۲۰ تا ۲۳ نوامبر اعلام کرده و بر عدالت اجتماعی، مالیاتی و زیست‌محیطی تأکید دارد. در فراخوان‌های همزمان، مقابله با نژادپرستی و رشد راست افراطی نیز در کنار مطالبات معیشتی قرار گرفته است. سندیکای سوندپ‌ـسولیدر پاریس هم کارکنان مؤسسات آموزشی خصوصی طرف قرارداد دولت را به شرکت در حرکت شنبه دعوت کرده است.

برگزارکنندگان می‌گویند افزایش هزینه زندگی و تضعیف خدمات عمومی، مسئله‌ای مشترک در سراسر اروپاست و پاسخ به آن به هماهنگی فرامرزی نیاز دارد. فراخوان‌ها مجموعه‌ای از تظاهرات، اعتصاب‌ها و برنامه‌های محلی را در بر می‌گیرند. در منابع بررسی‌شده، هنوز آمار جامع و تأییدشده‌ای از میزان مشارکت در این سه روز منتشر نشده است.

منبع: اخبار روز



اعتصاب ۷۰ هزار کارگر فلزکار/ تولید در کارخانه‌های بی‌امرو و بوش متوقف شد

حدود ۷۰ هزار کارگر صنایع فلزی و خودروسازی ایالت باواریا در آلمان، در جریان مذاکرات جمعی برای افزایش دستمزدها دست به اعتصاب هشداردهندهٔ ۲۴ساعته زدند.

اعتصاب برای افزایش دستمزد است

در جریان مذاکرات جاری برای تعیین شرایط کار در صنایع فلزی و الکتریکی آلمان، اتحادیهٔ آی‌جی متال در ایالت باواریا خواستار افزایش ۵ درصدی دستمزدها شده است. این اتحادیه همچنین افزایش ۱۱۰ یورویی حقوق ماهانهٔ کارآموزان را مطالبه می‌کند.

جُنگ کارگری

گروه کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411



تجمع کنشگران صنفی و مدنی گیلان؛ مطالبه پایان اعدام‌ها مقابل اداره کل زندان‌ها

جمعی از کنشگران صنفی و مدنی گیلان، روز سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۵، همزمان با «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، مقابل اداره کل زندان‌های استان گیلان تجمع کردند و خواهان پایان دادن به اعدام‌ها در ایران شدند.

بنا بر گزارش دریافتی، شرکت‌کنندگان با در دست داشتن بنرهای «نه به اعدام» و تصاویر شماری از زندانیان محکوم به اعدام، از جمله منوچهر فلاح، پیمان (امین) فرح‌آور، زهرا شهباز طبری، یعقوب درخشان، ارغوان فلاحی و امیرحسن اکبری منفرد، اعتراض خود را به تداوم صدور و اجرای احکام اعدام اعلام کردند.

این تجمع، جلوه‌ای از همراهی کنشگران صنفی و مدنی با مطالبه پاسداشت حق زندگی و پایان دادن به مجازات مرگ بود.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن حمایت از تجمع اعتراضی کنشگران گیلان و اعلام همبستگی با زندانیان محکوم به اعدام و خانواده‌های آنان، صدور و اجرای احکام اعدام را محکوم می‌کند و خواهان توقف فوری اجرای این احکام و لغو مجازات اعدام است. دفاع از حق زندگی و اعتراض مسالمت‌آمیز، حق همگان است و نباید با تهدید، تعقیب یا سرکوب پاسخ داده شود



اعتراض کارکنان شرکتی علوم پزشکی شیراز به تأخیر در پرداخت مطالبات

جُنگ کارگری

گروه کار کارگری
حزب چپ ایران

جمعه ۲۹ آبان ۱۴۰۵، برابر ۲۰ نوامبر ۲۰۲۶ | شماره ۴۱۱ | Iranian Workers Analects – No:411

نیروهای شرکتی دانشگاه علوم پزشکی شیراز روز گذشته به وضعیت معیشت خود، تأخیر در پرداختی‌ها و بی‌توجهی مسئولان نسبت به مطالباتشان معترض شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، کارکنان معترض اعلام کردند که با توجه به اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، حقوق آن‌ها هیچ تغییری نکرده و فقط یکسال به صورت «علی‌الحساب» پرداخت شد که این موضوع فشار معیشتی شدیدی بر آن‌ها وارد کرده است

متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

*برای تماس با نشریه "جُنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

*"جُنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:
https://bepish.org/taxonomyterm/457